

دور یادور دنیا  
۱۳

فرانسہ / اریک امانوئل اشتمیت  
مہمان ناخواندہ

ترجمہ تینوش نظم جو  
باہمکاری مہشاد مخبری



France  
Eric-Emmanuel Schmitt  
«Le Visiteur»



## پیش‌گفتار

سال ۱۹۹۵ برای اولین بار با متون نمایشی اریک-امانوئل اشمیت آشنا شدم. به یاد دارم که اجرای مهمان ناخوانده<sup>۱</sup> را در سالن کوچک تئاتر مارینی<sup>۲</sup>، یکی از مهم‌ترین تئاترهای خیابان شانزلیزه<sup>۳</sup> پاریس دیدم. اتفاق جالبی که پس از اجرا افتاد و احتمالاً هر شب پس از هر اجرا می‌افتاد این بود که به جرئت می‌توانم بگویم چهارصد تماشاچی نمایش به سوی کتابفروشی تئاتر هجوم بردند و متن نمایشنامه را خریدند و من هیچ‌گاه چه قبل و چه بعد از آن چنین استقبالی از متن یک نمایشنامه ندیدم. به نظر می‌رسید که تماشاگران چنان تحت تأثیر گفت‌وگوهای میان فروید و ناشناس قرار گرفته بودند که می‌خواستند متن نمایشنامه را چندین بار با دقتِ بیش‌تر بخوانند و استدلال‌های دو طرف را بررسی کنند. باید اعتراف کنم اجرایی که آن شب از این نمایشنامه دیدم مرا

---

1. *Le visiteur*

2. Théâtre Marigny

3. Champs-Élysées



به شدت تحت تأثیر قرار داد و فهمیدم با نوشته‌های نمایشنامه‌نویسی روبه‌رو هستم که شاید یکی از مهم‌ترین نویسنده‌های معاصر فرانسه باشد. ده سال گذشت و اریک امانوئل اشمیت تبدیل شد به یکی از معروف‌ترین نمایشنامه‌نویس‌های فرانسوی، نویسنده‌ای که بازیگرهایی چون ژان-پل بلمون<sup>۱</sup>، آلن دلون<sup>۲</sup> یا عمر شریف در آثارش بازی کرده‌اند. مهمان ناخوانده مرا به یاد کتاب *ایمان یا بی‌ایمانی*، ترجمه مکاتبات اومبرتو اگو و کاردینال مارتینی، که نشر نی آن را منتشر کرده است، می‌اندازد. از آن جایی که می‌دانیم رشته اصلی اشمیت فلسفه است، جدال درونی فروید با ایمانش، زمانی که نازی‌ها اتریش را فتح کرده‌اند و جایی برای ایمان باقی نمانده، سوژه بسیار وسوسه‌انگیز و پرهیجانی است. شاید از نظر دراماتورژی، شخصیت‌پردازی و حتی دیالوگ‌نویسی، اشمیت نمایشنامه‌نویس نابی نباشد اما سوژه‌ها و موقعیت‌هایی که شخصیت‌هایش را در آن قرار می‌دهد چشمگیر هستند.

مهمان ناخوانده نخستین موفقیت بزرگ اشمیت در تئاتر به حساب می‌آید. نمایشنامه‌ای که او را در فرانسه و جهان به عنوان یک نمایشنامه‌نویس درخشان مطرح کرد. اشمیت درباره مهمان ناخوانده می‌گوید:

«وقتی نگارش مهمان ناخوانده را به پایان رساندم، مانند نوشته‌های دیگرم، نظر دوستان نزدیکم را درباره این نمایشنامه پرسیدم. برخی از آنان گفتند نمایشنامه فوق‌العاده‌ای است. یکی دیگر گفت به نظرش اصلاً

1. Jean-Paul Belmondo

2. Alain Delon

متن جالبی نیست. طبیعتاً به حرف او گوش کردم و متن را ته‌کشوی میزم به فراموشی سپردم.

«چند ماه بعد، اصرار دوستان و ذوق یک تهیه‌کننده باعث شد مهمان ناخوانده به اجرا برسد.

«تابستان سال ۱۹۹۳ این نمایش را به جای نمایش دیگری که اجراش لغو شده بود با عجله تمرین کردند، چراکه تهیه‌کننده اصرار داشت به هر قیمتی که شده در سالی که از قبل اجاره کرده بود نمایشی روی صحنه برود. تمام گروه، کارگردان و بازیگران با عشق و علاقه روی نمایش کار می‌کردند و در هر فرصتی ایمان خود را به نمایش و موفقیت آن، به من ابراز می‌کردند. من ساکت می‌ماندم، ظاهراً از روی فروتنی، اما در واقع از روی ترس و احتیاط، چراکه یقین داشتم همگی در اشتباهند و نمایش شکست خواهد خورد، و دو ماه دیگر هیچ کدام حتی جواب سلامم را هم نخواهند داد.

«و شب اول اجرای مهمان ناخوانده، در ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۳، نشان داد که حق با من بود. فقط دو تماشاچی داشتیم که بلیت خریده بودند، آن هم پدر و مادرم که هر دو به اصرار برای بلیت‌شان پول داده بودند.

«منتقدین تئاتر و خبرنگاران نیامده بودند و ترجیح داده بودند سراغ نمایش‌های معروف بروند. تنها راهی که برای ما باقی مانده بود دعوت کردن تماشاچیان بود. در ابتدا پرکردن سالن تئاتر، حتی با دعوت تماشاچیان، کار بسیار سختی بود.

«کم‌کم تماشاگرانی که آمده بودند از اجرا تعریف کردند و سالن پر از تماشاچی جدید و منتقد و خبرنگار شد. روزنامه‌ها درباره نمایش